

کاری از: ویلاگ آموزش نون درس عربی پایه هفتم .

درس چهارم عربی پایه هفتم درباره گفتگوی میان دو پسر ایرانی و عراقی در سفر زیارتی به کربلاء است.



حِوَارٌ بَيْنَ وَكَلَدَيْنِ

لذا برای افزایش مهارت دانش آموزان عزیز و آشنایی بیشتر آنها با زبان و اصطلاحات عربی برآن شدم که مقداری از این اصطلاحات کاربردی را ، خصوصاً آنچه را که در مسافرت به یک کشور عربی ممکن است برایشان بیشتر به کار آید را آماده نمایم .

گفتگوی اول

در گفتگوهای روزمره عربی برخی از جملات و عبارات کاربرد بیشتری دارند، به همین سبب به حافظه سپردن آنها ضرورت دارد:

سلام **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.**

خوش آمدید: **أَهْلًا وَ سَهْلًا وَ مَرَحَبًا.**

خداوند شما را حفظ کند **:حَيَّاكَ اللَّهُ!**

حال شما چطور است؟ **كَيْفَ حَالُكَ؟ كَيْفَكَ؟، إِرِّيكَ؟ إِشْلُوتِكَ؟**

الحمد لله خوبم **:بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ...خوبم: كُوَيْس**

خوب نیستم **:مَا كُوَيْس.**

چه خبر؟ **مَا الْخَبْرُ؟ مَا أَخْبَارُكَ؟ شو أَخْبَارُكَ؟**

از اینکه دیر شد از شما معذرت می‌خواهم.

أَعْتَذِرُ مِنْكَ لِلتَّأخِيرِ. أَرْجُو الْمَعْدِرَةَ.

بیخشید: عَفْوًا (و یا) الْعَفْو.

من خیلی متأسفم: إِنِّي آسِفٌ جَدًّا.

موجب عذاب شما شدم. لَعْدٌ سَبَبْتُ لَكَ عَذَابًا. أَرْعَجُكَ.

نه، نه، هرگز. لا، لا، أبدأ.

شما انسان بسیار لطیفی هستيد.

أنتَ إنسانٌ لَطِيفٌ جَدًّا. (أنتَ إنسانٌ لَطِيفٌ جَدًّا).

از تعريف شما سپاسگزارم. شُكْرًا لِإِطْرَائِكَ.

خداوند به شما سلامتی بدهد. اللَّهُ يُعْطِيكَ الْعَافِيَةَ!

خداوند به شما جزای خیر دهد. جَزَاكُمُ اللَّهُ خَيْرًا.

بفرمایید بنشینید: تَفَضَّلْ بِالْجُلُوسِ.

خواهش می‌کنم: أَرْجُوكَ.

با اجازه شما: عَنِ إِذْنِكَ.

بفرمایید: تَفَضَّلْ.

شما در ایران در چه شهری زندگی می‌کنید؟

أنتَ تَعِيشُ فِي أَيْةِ مَدِينَةٍ فِي إِيرَانَ؟

من در شهر «...» از توابع استان «...» زندگی می‌کنم.

أنا أَعِيشُ فِي مَدِينَةٍ «...» التَّابِعَةِ لِمُحَافَظَةِ «...».

شما به روانی عربی حرف می‌زنید. أَنْتَ تَتَحَدَّثُ (تَتَكَلَّمُ) الْعَرَبِيَّةَ بِطَلَاقَةٍ.

من زبان عربی را بخوبی نمی‌دانم در حالی که شما به چند زبان سخن می‌گویید.

أنا لا أُنْقِنُ الْعَرَبِيَّةَ بَيْنَمَا أَنْتَ تَتَحَدَّثُ بِأَكْثَرِ مِنْ لُغَةٍ.

من زبان عربی را در مدت حضورم در سوریه آموختم.

أنا تَعَلَّمْتُ الْعَرَبِيَّةَ أَثْنَاءَ وُجُودِي فِي السُّورِيَا.

از شما خواهش می‌کنم با من به جای عامیانه با زبان فصیح صحبت کنید.

أَرْجُوكَ أَنْ تَتَكَلَّمَ مَعِيَ بِاللُّغَةِ الْفُصْحَى بَدَلًا مِنَ الْعَامِيَّةِ.

زیرا من در زبان عامیانه ضعیف هستم. **لَأَتْنِي ضَعِيفٌ فِي الْعَامِيَّةِ.**

نه، بر عکس شما زبان عربی صحیح را می‌دانید.

لَا، بِالْعَكْسِ، أَنْتَ تَعْرِفُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ الصَّحِيحَةَ.

شما معلم زبان عربی هستید و من نمی‌توانم با شما برابری کنم.

أَنْتَ مُعَلِّمُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ أَنَا لَا أَقْدِرُ أَنْ أَضَاهِيكَ (أَسَاوِيكَ).

من از سخن شما شادمان می‌شوم. **أَنَا أَرْتَاخُ لِخَدِيثِكَ.**

متشکرم: **شَكَرًا.**

بسیار خوب: **طَيِّبٌ، حَسَنًا.**

خداوند شما را از هر بلائی سلامت نگهدارد! **اللَّهُ يَسْلِمُكَ مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ!**

شما جوانی، خوش رو، تحصیلکرده، و از خانواده محترمی هستید.

إِنَّكَ شَابٌّ وَسِيمٌ وَ مُتَّقٍ (مُتَعَلِّمٌ) وَ مِنْ عَائِلَةٍ (أُسْرَةٍ) مُحْتَرَمَةٍ.

از عواطف شما نسبت به خودم سپاسگزارم.

أَشْكُرُكَ لِعَوَاطِفِكَ تَجَاهِي (نَحْوِي).

سرورم نمی‌دانم چگونه از شما سپاسگزاری کنم.

لَا أَدْرِي كَيْفَ أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.

(وظیفه است) نیاز به تشکر ندارد. **لَا شَكَرَ لِلوَاجِبِ (عَلَى الْوَاجِبِ)**

به امید دیدار، خدا نگهدار. **إِلَى اللِّقَاءِ وَالسَّلَامِ عَلَيْكُمْ.**

و علیکم السلام، شما را به خدا می‌سپارم. **وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ أَسْتَوْدَعُكَ اللَّهُ.**

گفتگوی دوم

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ: و علیکم السَّلَامُ و رحمة الله و برکاته.

کی (چه وقت) اسمت را در کاروان حجاج ثبت کردی؟

مَتَى سَجَلْتَ إِسْمَكَ فِي قَافِلَةِ الْحُجَّاجِ؟

تقریباً يك ماه پیش، قَبْلَ شَهْرِ تَقْرِيبًا.

گذرنامه‌ات را به رئیس کاروان دادی؟

هَلْ سَلَّمْتَ جَوَازَ سَفَرِكَ إِلَى رَئِيسِ الْقَافِلَةِ (حَمَلِدَارِ) (ح)؟

بله، آن را به رئیس کاروان دادم. نَعَمْ، (أَيُّوهُ) سَلَّمْتُهُ إِلَى رَئِيسِ الْقَافِلَةِ.

گواهی بهداشتی دارید؟ هَلْ لَدَيْكَ (عِنْدَكَ) الشَّهَادَةُ الصَّحِيَّةُ؟

بله، گواهی بهداشتی دارم. نَعَمْ، (أَيُّوهُ) لَدَيَّ (عِنْدِي) الشَّهَادَةُ الصَّحِيَّةُ.

آیا می‌توانم با شما به زبان عربی فصیح سخن بگویم؟

هَلْ يُمَكِّنُنِي أَنْ أَتَكَلَّمَ مَعَكَ بِالْعَرَبِيَّةِ الْفُصْحَى؟

اسم شما چیست و از کجا می‌آید؟ مَا اسْمُكَ؟ وَ مِنْ أَيْنَ تَأْتِي؟

اسم من محمد و اهل جمهوری عربی مصر هستم.

اسمى محمدٌ من جمهورية مصر العربية.

من از يك خانواده پایبند (مذهبی) هستم. أَنَا مِنْ أُسْرَةٍ مُحَافِظَةٍ.

سفر چطور بود؟ كَيْفَ كَانَتْ الرِّحْلَةُ؟

خیلی سودمند بود: كَانَتْ مُمْتَعَةً جِدًّا.

رسیدن به خیر. (خدا را سپاس که سالم هستید. (الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى السَّلَامَةِ).

آب و هوای این شهر چگونه است؟ كَيْفَ مُنَاحُ هَذِهِ الْمَدِينَةِ؟

بسیار خوب و دل انگیز است: لَطِيفٌ وَ رَائِعٌ جِدًّا.

چه مدت اینجا خواهید ماند؟ كَمْ مَدَّةً سَتَبْقَى هُنَا؟

فقط يك هفته: مَدَّةَ أُسْبُوعٍ فَقَط.

فردا چه می‌کنی؟ مَا الَّذِي سَتَفْعَلُهُ عَدَاً؟

به گشت و گذاری در شهر می‌پردازم. سَأَقُومُ بِجَوْلَةٍ فِي الْمَدِينَةِ.

الان کجا می‌روید؟ أَيْنَ تَرُوحُ (تَذْهَبُ) الْآنَ؟

من به حرم می‌روم. **أنا رائحٌ (ذاهبٌ) إلى الحرم.**

آیا شما راهنمای جهانگردان نیستید؟ **ألسنتَ دليلاً للسائحين؟**

در این صورت می‌توانی مرا همراهی کنی؟ **إذن هل تستطيع أن تُرافقني؟**

من در خدمت شما هستم. **أنا بخدمتك (في خدمتك).**

کشور ما را دوست دارید؟ **هل تحب بلادنا؟**

می‌خواهم نظر شما را به صراحت بشنوم. **أريد أن أسمع رأيك بصراحة.**

بله کشور شما را بسیار دوست دارم. **نعم، أحبها كثيراً.**

چرا؟ **لماذا؟**

زیرا بسیار زیباست: **لأنها جميلة جداً.**

امیدوارم از همه مناطق دیدنی کشورمان بازدید کنی.

أمل أن تزور جميع الأماكن السياحية في بلادنا.

شما به سفر تفریحی آمده‌اید؟ بله. **أتيت للسفرة الترفيهية (الترفيهية)؟ نعم.**

علاوه بر آن به گردش علمی نیز آمده‌ام.

فضلاً عن ذلك أتيت للسفرة العلمية أيضاً.

در واقع من در اینجا در يك سفر کاری نیز هستم.

في الحقيقة أنا هنا في رحلة عمل أيضاً.

چه مدتی است که در اینجا هستید؟ **منذ متى و أنت هنا؟**

من از چند روز پیش اینجا هستم. **أنا هنا منذ بضعة أيام.**

به من اجازه می‌دهید بپرسم آیا شما تنها هستید؟

هل تسمح لي أن أسأل هل أنت لوحدي؟

بله، من تنها هستم: **نعم، أنا لوحدي.**

خانواده‌ات کجاست؟ **أين عائلتك؟**

من مجرد و تنها هستم. **أنا عازب (أعزب) وحيد.**

آیا ازدواج کرده‌اید؟ خیر... پیش از این، موردی برایم پیش نیامده است.

هل تزوجت؟ لا... لم يسبق لي الزواج.

من ازدواج کرده‌ام و یک دختر دارم. که در کلاس چهارم ابتدایی درس می‌خواند و سنش ده سال است.

أنا متزوج و لي ابنة واحدة تدرّس في الصفّ الرابع الابتدائي وعمرها عشر سنوات.

این اولین دیدار شماست؟ هَلْ هَذِهِ زيارتُكَ الأولى؟

آیا اولین بار است که به خارج از کشور مسافرت می‌کنید؟

أهـى أوّل مرّة تُسافرُ فيها خارج البلاد؟

بله، این اولین دیدار من است. نَعَمْ، هَذِهِ هـى زيارتِى الأولى.

بله، از تنهایی و گوشه‌گیری می‌ترسیدم.

نَعَمْ وَ كُنْتُ خائفاً مِنَ الوحدةِ وَ العزلةِ.

رؤیای من این بود که این شهر را ببینم، و اکنون تحقق پیدا کرد!

كَانَ حلمى أن أزورَ هذه المدينة، وقد تحقّق الآن!

به من اجازه بدهید بپرسم که آیا باز هم می‌آیید؟

إسْمَحْ لى أن أسألَ هَلْ تَأْتى مرّةً أُخرى؟

البته و بدون شك. طَبَعاً وَ لاشكّ.

من به شما قول می‌دهم. أُعْطِيكَ قولاً (كلاماً)، أَعِدُّكَ.

دیر یا زود به دیدن شما خواهیم آمد. سأزوركَ أجلاً أو عاجلاً.

البته: طَبَعاً، بِالطَّبَعِ، البتّة.

مرا ببخشید: سامحني.

تو مطمئنی؟ هَلْ أنتَ واثقٌ (مُتأكّدٌ)؟

بله، کاملاً مطمئنم: نَعَمْ، كُلّ النِّفّةِ (بِالتَّكْيِدِ).

عجب سخن درستی! يالَه من قولِ سَلِيمٍ!

بِهَبَه : يا سلام.

چای می نوشی یا قهوه؟. تَشْرَبُ الشَّايَ أَوْ الْقَهْوَةَ؟

قهوه می نوشم : أَشْرَبُ الْقَهْوَةَ.

نوش جان، گوارا باد : هَنِينًا لَكَ!

بفرمائید : تَعَصَّلْ. دستت درد نکند : سَلِمْتَ يَدَاكَ .

وقت خوبی را برایت آرزو می کنم . أَتَمَنَّى لَكَ وَقْتًا طَيِّبًا.

از آشنایی شما خوشوقتم.

أَنْشَرَفُ بِمَعْرِفَتِكُمْ؛ أَنَا سَعِيدٌ بِمَعْرِفَتِكُمْ؛ فَرَسَةٌ سَعِيدَةٌ.

از دیدن شما خرسندم : أَنَا سَعِيدٌ بِلِقَائِكُمْ.

خوشوقت شدیم : تَشَرَّفْنَا.

پس مزاحم شما نمی شوم . إِذْنٌ لِأَزَاحِمِكَ (لَا أَزَعُجُكَ)؛ (لَا أَثْقِلُ عَلَيْكَ)

سلام مرا به خانواده ات برسان . بَلِّغْ سَلَامِي إِلَى أُسْرَتِكَ (أَهْلِكَ)؛ سَلِّمْ لِي عَلَي...

در ادامه، گزیده‌ای از اصطلاحات رایج و لازم زبان عربی که احتمالاً مورد نیازتان در سفر زیارتی خواهد بود را می بینید: (لهجه عراقی)

(۱) فارسی : گذرنامه - پاسپورت

العربية : جَوَاز - پاسپورت

(۲) فارسی : گذرنامه ها

العربية : جَوَازَات

(۳) فارسی : گذرنامه ات رو بده

العربية : اِنْطِنَى جَوَازَكَ

(۴) فارسی : بگذار بینم - نگاه کنم

العربية : خَلَّى أَشُوف

(۵) فارسی : ویزا

العربية : فيزة

(۶) فارسی : کجاست؟

العربية : وین

(۷) فارسی : سرویس بهداشتی کجاست؟

العربية : وین المرافق الصحیة

(بدون کلمه صحیه بکار ببرید، چون اینگونه عامیانه تر است)

(۸) فارسی : میخواهم

العربية : أريد

(۹) فارسی : بروم

العربية : أروح

(۱۰) فارسی : به نجف

العربية : إلى النجف (در اصل الى النجف بوده)

نحوه تلفظ : أريد أروح إلى النجف

(۱۱) فارسی : اتوبوس میخواهه یا ون

العربية : تريد الباص أو كية؟

(۱۲) فارسی : کرایه اش چنده - چقدر میشه

العربية : إشكد؟ - إشكد الأجرة

(۱۳) فارسی : ده هزار - ۱۰۰۰۰ دینار - ۱۰

العربية : عشر - عشرتالاف

(۱۴) فارسی : خوبه

العربية : زين

(۱۵) فارسی : نه گرونه!

العربية : لا، باهز

(۱۶) فارسی : خیلی - گرونه

العربية : إهَوَاي، كِلَّش - باهز

(۱۷) فارسی : گروهتون، چند نفر هستيد؟

العربية : جَمَاعَتُكُمْ، چَم نفرات؟

(۱۸) فارسی : بيا بالا - سوار شو - پير بالا

العربية : صَعَد - يا الله صَعَد

(۱۹) فارسی : تمام شديد؟ همه سوار شديد؟ - تکميل شد - تمام شد.

العربية : خَلَّاص؟ - يا به صورت خبري : خلاص!

(۲۰) فارسی : چمدان - ساک

العربية : جُنْطَة - جمع : جُنْط

(۲۱) فارسی : راننده

العربية : سايق

(۲۲) فارسی : ايستگاه پليس

العربية : سِيْطَرَة

(۲۳) فارسی : گيت - دروازه - ورودی

العربية : بَوَّابَة

(۲۴) فارسی : افسر - مامور - مسؤول

العربية : ضَائِب

(۲۵) فارسی : گاری - ارايه

العربية : عَرَبَانَة

(۲۶) فارسی : گاری چي - ارايه کش

العربية : عَرَبَنْچِي

(۲۷) فارسی : (بردار، بلند کن) - چمدون رو بردار

العربية : (شیل) - شیلِ الجُنْطَة

(۲۸) فارسی : کیف - کوله

العربية : حَقْبَة

(۲۹) فارسی : هوا گرمه - گرمه

العربية : أَلْجَو حار - حار

(۳۰) فارسی : آبجوش

العربية : مای الحارّ، مای حار

(۳۱) العربية : خُبْز

فارسی : نان

(۳۲) ساندویچی (مخصوص به عراق)

العربية : صَمَّون

(۳۳) فارسی : کولر را روشن کن

العربية : شَجِّلِ الْمُكَيِّف

(۳۴) فارسی : خاموش کن - خاموشش کن - کولر را خاموش کن

العربية : طَفّ - طَفِّيّه - طَفِّي الْمُكَيِّف

(۳۵) فارسی : وایستا - نگه دار

العربية : أَوْف

(۳۶) فارسی : اینجا - آنجا

العربية : إهنا - إهناک

(۳۷) فارسی : بیا

العربية : تعال

(۳۸) فارسی : برو

العربية : رُح (روح)

(۳۹) فارسی : گم کردم

العربية : ضَيَّعَتْ

(۴۰) فارسی : بگذار - قرار بده

العربية : خَلَّى

(۴۱) فارسی : چرا - برای چه

العربية : لَيْشَ

(۴۲) فارسی : نمی فهمم - نمی فهمم چی میگه

العربية : مَا فَتَّهْمَ (الف خوانده نمی شود) - مَفْتَهْمَ شِتْگول

(۴۳) فارسی : کم - کمی عربی بلام

العربية : شَوَى، شَوَى - شوى أعرِف، شوى أَحْچى

(۴۴) لطفا: رجاءاً

(۴۵) متشکرم: شكراً

(۴۶) خوش آمدی: اهلا و سهلا

(۴۷) بله: نعم / ای

(۴۸) خیر: لا

(۴۹) مشکلی نیست: مو مشکل

(۵۰) ببخشید: متاسفم / العفو/ آنی آسف

(۵۱) چه وقت؟ إشوکت

(۵۲) کجا؟: وین

(۵۳) چقدر؟: چم؟

(۵۴) چی؟: شنو

(۵۵) کی؟: منو

- (۵۶) پل: جسر
- (۵۷) خانواده: اهل
- (۵۸) غذا: آكل
- (۵۹) عجله كن: ابسرعه/بالسرعه
- (۶۰) من مى فهمم: آنى افتمم
- (۶۱) من نمى فهمم: آنى ما افتمم
- (۶۲) دارو: دوا
- (۶۳) پول: فلوس
- (۶۴) فارسى مى تونى حرف بزنى؟: تتكلم بالفارسى؟
- (۶۵) ممكنه كمكم كنى؟: ممكن تساعدنى؟
- (۶۶) مسجد: جامع
- (۶۷) بازار: سوگ
- (۶۸) پليس: شرطه
- (۶۹) بايست: اوگف
- (۷۰) حال شما چطوره: اشلونك
- (۷۱) خوبم: زين
- (۷۲) خداحافظ: مع السّلامه
- (۷۳) در امان خدا: فى امانِ الله
- (۷۴) چه خبر: شكو ماكو؟
- (۷۵) خبرى نيست: ماكو شى
- (۷۶) بفرماييد استراحت كنيد: اِتَقَصِّلِ اسْتِيرِيح
- (۷۷) ممنونم: شُكْرًا
- (۷۸) خسته: تعبان

- (۷۹) گرسنه: جوعان
- (۸۰) سیر(متضاد گرسنه): شیبعان
- (۸۱) حرم کجاست؟: وین الحَرَم
- (۸۲) گران: غالی
- (۸۳) ارزان: رَخِیص
- (۸۴) بیمارستان/درمانگاه: مَسْتَشْفَى
- (۸۵) می خواهم زیارت کنم: ارید ازور
- (۸۶) لباس: مَلَايِس
- (۸۷) جلو: کِدَّام
- (۸۸) **فارسی : سخت**
العربية : صَعْب
- (۸۹) **فارسی : ساده، آسون**
العربية : سَهْل
- (۹۰) **فارسی : سیگار**
العربية : جیگارَه
- (۹۱) **فارسی : کی، چه وقت**
العربية : اِشْوَكْت
- (۹۲) **فارسی : الان**
العربية : هَسَّة
- (۹۳) **فارسی : دیروز**
العربية : اَمِس
- (۹۴) **فارسی : فردا**
العربية : باچِر

(۹۵) فارسی : امروز

العربية : أليوم

(۹۶) فارسی : امشب

العربية : أليَّلة

(۹۷) فارسی : اسمتو بنويس (به معنای ثبت نام)

العربية : سَجِّل إسمك

(۹۸) فارسی : گذرنامه ها را تحويل دهيد

العربية : سَلِّموا الجَوَازات

(۹۹) فارسی : فرودگاه

العربية : مَطَار

(۱۰۰) فارسی : حدوداً، تقريباً

العربية : حَوَالى

(۱۰۱) فارسی : گوش بده - به من گوش بده

العربية : إسمَع - إسمَعنى

(۱۰۲) فارسی : کارت شناسايى

العربية : هُوَيَّة

• قبلًا كلمه گران رو ترجمه كرديم، حالا متضاد آن:

(۱۰۳) فارسی : ارزان

العربية : رَخِيس

(۱۰۴) فارسی : ارزان تر

العربية : أَرخَص

(۱۰۵) فارسی : ببخشيد

العربية : ألعْفُو

(۱۰۶) فارسی : نانوايي

العربية : خَبَّاز

• جملات تعارفي-تشكري

(۱۰۷) الله يخليكم: خدا نگهدارون داره

(۱۰۸) الله يحفظكم: خدا حافظ شما باشد

(۱۰۹) الله يسلمكم: خدا شما را سلامت نگهدارد

(۱۱۰) زحمناكم: زحمت به شما داديم

(۱۱۱) الله يعينكم: خدا نگهدارتون باشد

(۱۱۲) رحم الله والديك: خدا پدر و مادرتان را بيمرزد

(۱۱۳) الله يساعدكم: خدا كمكتان كند

(۱۱۴) صار الزحمة عليكم: براي شماها زحمت شد

(۱۱۵) عاشت ايدكم: خداقوت

(۱۱۶) فارسی : مجاني

العربية : بلاش

(۱۱۷) فارسی : سلامتی

العربية : عافية (مثلا در تعارفات ميگويد : بلعافية إن شاء الله)

(۱۱۸) فارسی : سيو كن، ذخيره كن - ذخيره كردن

العربية : وَفَّر - توفير

(۱۱۹) فارسی : ديوانه - ما ديوانگان حسينيم

العربية : مَجْنُون - إحته مجانين الحسين

(۱۲۰) فارسی : فصیح - كتابی

العربية : فُصَحَه (مثلا اگر شما به مكالمه فصیح تسلط داريد می گوئيد : تَگَدَّر تَچَچي فُصَحَه؟ می تونی فصیح و كتابی صحبت کنی؟ أَعْرُف الدارِجَه شَوَيَّ : لهجه عاميانه كم بدم

(۱۲۱) فارسی : اتاق - اتاق ها

العربية : عُرْفَة - عُرْف

(۱۲۲) فارسی : بوس

العربية : بوس

(۱۲۳) فارسی : زشت - قبیح - ناپسند

العربية : عیب

مثلا میگوید : لا تُسَوِّ، عیب : نکن! زشته!

(۱۲۴) فارسی : خانه

العربية : بَيْت - حُوش

(۱۲۵) فارسی : گوشت

العربية : لَحْم

(۱۲۶) فارسی : گران - ارزشمند

العربية : غالی (هم به چیز گران می گویند هم به یک فرد عزیز و محترم)

(۱۲۷) فارسی : چطوری (مذکر)

العربية : إِشْلُونَك

(۱۲۸) فارسی : چطوری (مونث)

العربية : إِشْلُونِج

(۱۲۹) فارسی : خسته

العربية : تَعْبَان

(۱۳۰) فارسی : گرسنه

العربية : جَوَاعان

(۱۳۱) فارسی : تشنه

العربية : عَطْشان

۱۳۲) فارسی : صبح بخیر

العربية : صَبَاحَ الخیر (جواب : صباح النور)

۱۳۳) فارسی : خوش آمدید

العربية : أهلاً بكم، هَلاً بیک، هلا بیکم

۱۳۴) فارسی : هر جور مایل هستی

العربية : عَلا کِیَّفَک

۱۳۵) فارسی : بیمارستان

العربية : مُسْتَشْفَى (مُسْتَشْفَه بخوانید)

آموزش قیدهای زمان و مکان

۱۳۶) صباح: صبح

۱۳۷) الیوم: امروز

۱۳۸) أمس: دیروز

۱۳۹) غدا(بكرة): فردا

۱۴۰) فجر: سپیده دم

۱۴۱) مغرب: مغرب

۱۴۲) لیل(عشا بکسر ع): شب

۱۴۳) منتصف اللیل: نیمه شب

۱۴۴) هذه اللیله: امشب

۱۴۵) نهار: یوم: روز

۱۴۶) مساء: بعد الظهر: شب

۱۴۷) أعلا: بالا: بالاتر

۱۴۸) أسفل: پایین: پایین تر

۱۴۹) أين: کجا

- (۱۵۰) تحت: زیر
- (۱۵۱) أمام. قدام (بضم ق وتشديد د): جلو
- (۱۵۲) فوق: بالای. روی
- (۱۵۳) خلف. وراء: پشت سر
- (۱۵۴) جنب. جوار: کنار
- (۱۵۵) بعد بكرة (بعد غد): پس فردا
- (۱۵۶) بعد يومين: دو روز بعد
- (۱۵۷) بعد ثلاثة ايام: سه روز بعد
- (۱۵۸) ليلة اول أمس: پريشب
- (۱۵۹) الأمس الأول: پريروز
- (۱۶۰) ليلة الغد: فرداشب
- (۱۶۱) قبل الظهر: پيش از ظهر
- (۱۶۲) إذا: هرگاه. اگر
- (۱۶۳) عند: نزد
- (۱۶۴) قريب من: نزديک به
- (۱۶۵) بعيد عن: دور از
- (۱۶۶) منذ مدة: مدتی است
- (۱۶۷) هنا: اینجا
- (۱۶۸) هناك: آنجا
- (۱۶۹) بين: ميان
- (۱۷۰) متى: چه وقت. کی
- (۱۷۱) قبل قليل: کمی پيش
- (۱۷۲) الان: حالا

(۱۷۳) سنة (ج: سنوات. سنين): سال

(۱۷۴) هذا الشعر: اين ماه

(۱۷۵) اسبوع (ج: اسابيع): هفته

(۱۷۶) شهر (اشهر): ماه

(۱۷۷) هذه السنة: امسال

(۱۷۸) هذا الأسبوع: اين هفته

(۱۷۹) على اليمين: سمت راست

(۱۸۰) على الشمال: سمت چپ

(۱۸۱) على طول: مستقيم

(۱۸۲) بعدالمفترق: بعداز چهار راه

(۱۸۳) ايستگاه قطار كجاست؟

ون المَحَطَّة

(۱۸۴) فرودگاه كجاست؟

ون المَطَار؟

(۱۸۵) نزدیک - دور

(۱۸۶) قريب - بعيد

(۱۸۷) كدوم يكي از اون ها (از دو راه - طرف) نزديكتره؟

يا هُم - يا هُوَ أَقْرَب

(۱۸۸) كدوم راه به كربلا نزديك تره؟

يا طَرِيق أَقْرَب إلِكَربله

(۱۸۹) كدوم راه - طرف - مسير - خلوته؟

يا طريق - جهة، صُوب - مسير - بلا إزدحام، مو إزدحام

(۱۹۰) خيلى زحمتتون داديم - اذبتتون كرديم

هوایه زَحْمَانُکُمْ - اذیناکم

(۱۹۱) اجرتون با سیدالشهدا

أَجْرُکُمْ عَلٰی إِحْسَیْنِ (ع)

(۱۹۲) شارژ موبایل از کجا بخرم؟

إِمْئِنِ أَشْتَرَى رَصِید (الموبایل «لازم نیست موبایلش رو بگید»)

(۱۹۳) سیم کارت

شْرِیْحَة

(۱۹۴) همیشه به شارژر بدید، شارژ موبایل تموم شده - شارژش تموم شده

یَمْکُن تَنْطِیْنِی شَاحِیْنَة، خَلَّصَ الشَّحْنَ موبایلی - خَلَّصَ شَحْنَه

(۱۹۵) کجا میتونیم استراحت کنیم؟

وَن یَغْدَر نَسْتَرِیْح

(۱۹۶) همیشه به کم برید عقب تر / جلوتر

یَصِیر إِشْوَبَه تَرَجَع / تَتَقَدَّم

(۱۹۷) بیاید این ور تر / برید اون ور تر

تَعَال لِهُنَایَه / رُوح لِهُنَاکَه

(۱۹۸) ببخشید ممکنه کمی به من هم جا بدید(که من هم بشینم / بایستم)

العَفُو تَنْطِیْنِی مَکَان (حتی آنی هم آگُعد / اوگُف)

(۱۹۹) آقا/خانم اجازه میدین من هم زیارت کنم؟! (لازم به گفتن آقا / خانم نیست)

عَفوَاً خَلِّیْنِی آنی هم آزُور (با عذر خواهی)

خَلِّیْنِی آنی هم آزُور (به صورت جدی و دستوری!!)

(۲۰۰) آیا امشب حرم رو می بدن؟!

إِلَيْلَهُ يَسِيدُونَ الْحَرَمَ؟

(۲۰۱) ببخشید درب ورودی دیگه ای وجود نداره؟!

أَكُو بَابِ ثَانِيَةٍ يَا أَكُو بَابِ غَيْرٍ؟! (ثانیه یعنی دومی)

(۲۰۲) ببخشید شما تا کی اینجا نشستید؟!

إِلْعَفُوا لَشَوْكَتِ غَائِدِ إِهْنَانِيَةٍ؟

(۲۰۳) آیا شما میخواین برید؟! یا هنوز هستین؟!

إِثْرِيذُونَ إِثْرُوحُونَ؟! لُو بَعْدَكُمْ؟!

(۲۰۴) ببخشید گاراژ ماشین (ترمینال) کجاست؟!

العفوا ونِ الْكِرَاجِ؟

(۲۰۵) آیا حرم، ماشین مخصوص برای بردن به سامرا داره؟!

اكو سيارة خاص العتبة السامرة؟ (عتبه منظور حرم امام حسين/ابالفضل/وامام علي عليهم السلام مي باشد)

(۲۰۶) چجوری میشه رفت مسجد کوفه؟!

إِشْلُونَ أَرْوَحِ إِمْسَجِدِ الْكُوفَةِ؟!

(۲۰۷) ببخشید فاصله مسجد کوفه تا سهله چقدره؟!

العفوا إِشْكَدِ الْمَسَافَةِ بَيْنَ السَّهْلَةِ وَ الْكُوفَةِ؟

(۲۰۸) بین راه ماشین(سیاره) هست سوار بشیم(ترکب)؟!

اكو سيارات بين الطريق تركب؟؟

(۲۰۹) سرویس بهداشتی کجاست؟!

وين المرافق (تكرّم وين المرافق: گفتن تکرّم در اول جمله مودبانه تر است)

• نکته مهم بسیار بسیار مهم: هیچ وقت در داخل سرویس بهداشتی به کسی بفرمایید با جمله افضل را نگوید، بلکه باید بگوید : كَرّم

(۲۱۰) ببخشید این سرویس بهداشتی(التوالت) شلنگ آب داره؟!

إِلْتَوَالَتَاتِ بِيَهِنِ صُونَدَه؟!

(۲۱۱) ممکنه یه شلنگ آب برای سرویس وصل کنید

بلازحمه (إذا ممکن) إتشکِل الصونده؟!

(۲۱۲) ببخشید درمانگاه / بیمارستان کجاست؟!

إلعفو وین المُستوصِف / مُستشفه؟؟

(۲۱۳) ببخشید درب ورودی خانم ها/آقایان کدوم طرفه؟!

إلعفو مِن وین باب الدُخول لِلنساء / للرجال؟

(۲۱۴) موقع نماز درب حرم رو می بندند؟

یسِدُون بابِ الحَرَم وقت الصلاة؟ (با لحن پرسشی)

(۲۱۵) فارسی: جای خالی دارید؟

العربية: عِدْکُمْ مَکان!؟ - اَکُو مَکان!؟

اگر باشد ممکن است بگویند: ای ای إتفضل (بله بله؛ بفرمایید) و اگر جا نباشد می گویند: ما فی

(۲۱۶) فارسی: مسئول یا رئیس موبک کیست؟

العربية: مَنو مسئولِ الموبک!؟

(۲۱۷) فارسی: برای بانوان (نساء) جای (خیمه) جداگانه هم دارید؟

العربية: (آکو) - (عِدْکُمْ) قاعة للنساء؟ (سالن های استراحت برای خواب را قاعة میگویند.)

(۲۱۸) فارسی: پتو، بالش، تشک دارید؟ چند تا دارید؟ به تعداد هست؟

(۲۱۹) العربية: بَطَانِيَه (پتو)، مَحْدَه (بالش)، دوشگ (تشک) عِدْکُمْ؟ چَم واحد عدکم؟
مو قلیلات خو؟؟

بخش اصلی و مهم قیدهای زمان در لهجه عراقی

(۲۲۰) فارسی: گذشته

العربية: الماضي

(۲۲۱) فارسی: دیروز

العربية: ألبارحة - مبارح

مثال: شِفْتَه البَارِحِ بالسُّوگ

دیروز در بازار او را دیدم

(۲۲۲) فارسی : پریروز

العربية : أوّل البارحة

شفته اول البارحة بالسوگ.

(۲۲۳) فارسی : هفته گذشته

العربية : الأسبوعِ الفات

(۲۲۴) فارسی : ماه گذشته

العربية : الشَّهْرِ الفات

(۲۲۵) فارسی : سال گذشته

العربية : السنة الفاتت (سنه مونث است پس فعل فات باید مونث بیاید)

• ممکن است به جای فات و فاتت از «الماضی» و «الماضیه» هم استفاده شود...

(۲۲۶) فارسی : حال

العربية : الحاضر

(۲۲۷) فارسی : امروز

العربية : ألیوم

مثال : شِفْتَهَا الیوم بالسوگ.

او(زن) را امروز در بازار دیدم.

(۲۲۸) فارسی : این هفته

العربية : هذا الاسبوع

(۲۲۹) فارسی : این ماه

العربية : هذا الشَّهْر

۲۳۰) فارسی : امسال

العربية : هذا السنّة

۲۳۱) فارسی : آينده

العربية : المُسْتَقْبَل

۲۳۲) فارسی : فردا

العربية : باچِر

۲۳۳) فارسی : پس فردا

العربية : عُكْبُ باچِر

مثال: رَحَ اشوَقَه عُكْبُ باچِر

او را پس فردا خواهم دید

۲۳۴) رَحَ + فعل = خواهم آن فعل را انجام داد

۲۳۵) فارسی : هفته آينده

العربية : لإسبوع الجای

۲۳۶) فارسی : ماه آينده

العربية : الشَّهْرَ الجای

۲۳۷) فارسی : سال آينده

العربية : السنّة لِجایة

۲۳۸) فارسی : مطمئني؟ - حتماً

العربية : إنته مُتَأَكِّد؟ - مُتَأَكِّد؟

۲۳۹) فارسی : برای اينکه، چون

العربية : لِأَنَّ، لَنَ

۲۴۰) فارسی : می دانم - می دانی

العربية : أَدْرِي - تَدْرِي

(۲۴۱) فارسی : نمی دانم

العربية : مو أدري

(۲۴۲) فارسی : فراموش کردم

العربية : نَسِيت

(۲۴۳) فارسی : بلند شو

العربية : گوم

(۲۴۴) فارسی : بشین

العربية : اُكْعِد

(۲۴۵) فارسی : مهر (مهر نماز)

العربية : ثَرَبَة

(۲۴۶) فارسی : سرد

العربية : بارِد

(۲۴۷) فارسی : خیلی سرد - خیلی گرم

العربية : كِلْش بارد - كِلْش حارّ

(۲۴۸) فارسی : شماره

العربية : رَقَم

(۲۴۹) فارسی : یک لحظه

العربية : لَحْظَة

(۲۵۰) فارسی : چند (روز - مقدار - عدد)

العربية : چَم

(۲۵۱) فارسی : داخل شو

العربية : طُب - ادْخُل

(۲۵۲) فارسی : خارج شو - برو بیرون

العربية : اِطَّلَعَ - اُخْرَج

(۲۵۲) فارسی : کاروان

العربية : حَمَلَة

(۲۵۴) فارسی : صف - به صف شید

العربية : سِیرَة - بُسِیرَة

(۲۵۵) فارسی : قند

العربية : اصلاً نمیدونن قند چی هست! فقط شکر

(۲۵۶) فارسی : شِکَر

العربية : شَكَر

(۲۵۷) فارسی : بازار

العربية : سوگ

(۲۵۸) فارسی : پول

العربية : فُلوس

(۲۵۹) فارسی : صرافى

العربية : صِیرَفَة

(۲۶۰) فارسی : پول چنج کردن

العربية : تَصْرِيف

(۲۶۱) فارسی : خورده

العربية : خُرْدَة

(۲۶۲) فارسی : نصف - نیم

العربية : نُصّ

(۲۶۳) فارسی : یک چهارم - به ۲۵۰ دیناری نیز میگویند، چون یک چهارم ۱۰۰۰ دینار است

العربية : رُبْع

(۲۶۴) فارسی : سوپ

العربية : شوربَه

(۲۶۵) فارسی : کباب ترکی

العربية : گَصّ - شاورما

(۲۶۶) فارسی : چای

العربية : شای

(۲۶۷) فارسی : شیر

العربية : حَلیب

(۲۶۸) فارسی : مرغ - سرخ شده

العربية : دِجاج - مَشْوِیّ

(۲۶۹) فارسی : ماهی - سرخ شده

العربية : سِمْج - مشویّ

(۲۷۰) فارسی : تخم مرغ

العربية : اِیْبِض

(۲۷۱) فارسی : ساندویچ

العربية : لَقَّة

(۲۷۲) فارسی : پرس

العربية : صَحَن

(۲۷۳) فارسی : غذای بسته بندی - بیرون بر

العربية : سَفَری

(۲۷۴) فارسی : راست / سمت راست

العربية : یَمین، یَمَنَه / عَلَ یَمین، عَلَ یَمَنَه

۲۷۵) فارسی : چپ / سمت چپ

العربية : يَسَار، يَسْرَه / عل يَسَار، عل يَسْرَه

۲۷۶) فارسی : جلو - رو به رو

العربية : كُبل - كُدَام

۲۷۷) فارسی : پشت، عقب - پشت سرت

العربية : وِرِه، خَلْف - وِرَاك

۲۷۸) فارسی : بالا

العربية : فُوگ

۲۷۹) فارسی : کنار، پیش

العربية : يَمّ

۲۸۰) فارسی : بیرون، محیط باز

العربية : بَرّه

۲۸۱) فارسی : داخل، تو

العربية : جَوّه

۲۸۲) فارسی : فقط - فقط دو نفر - فقط دوتا

العربية : بَسْ - بَسْ نَقَرَيْن - بس اِثْنَيْن

۲۸۳) فارسی : آره، درسته

العربية : إى - نعم - صحّ

۲۸۴) فارسی : (با، به همراه) - با خانواده ام

العربية : وِيّا - وِيّا أهْلِي

۲۸۵) فارسی : باهم - (مثلا در کفشداری میخواهید کفش ها را باهم

تحويل دهید می گویند:)

العربية : سوّه - سوِيّه

۲۸۶) فارسی : تو (مرد) - تو خودت گفتی.....

العربية : إنته - إنته كِلت.....

۲۸۷) فارسی : تو (زن)

العربية : إنتی

۲۸۸) فارسی : من

العربية : أنى

۲۸۹) فارسی : ما

العربية : إحنه

۲۹۰) فارسی : او (مرد)

العربية : هُوّ

۲۹۱) فارسی : او (زن)

العربية : هِىّ

۲۹۲) فارسی : این (مذکر)

العربية : هَاذَة

۲۹۳) فارسی : این (مونث)

العربية : هَاى

۲۹۴) فارسی : باید

العربية : لِإِزْم

۲۹۵) فارسی : راه - راه بسته است

العربية : طَریق - طَریق مسدود (مزدود تلفظ می شود)

۲۹۶) فارسی : پیاده شو

العربية : تَزَل

۲۹۷) فارسی : تلفن زدن - زنگ زدن

العربية : خَابَر

(۲۹۸) فارسی : از کجا - اهل کجا - تو اهل کجایی؟

العربية : مُنِين، اِمْنِين - اَنْتَه منين؟

(۲۹۹) فارسی : از ایران

العربية : مِنْ اِيران

(۳۰۰) فارسی : شهر

العربية : مَدِينَة

(۳۰۱) فارسی : مواظب باش

العربية : دِير بِالْك (بالک بالک)

(۳۰۲) فارسی : همیشه

العربية : مَيَّصِير

(۳۰۳) فارسی : اشکالی نداره - باشه - مخالفتی ندارم

العربية : مَيَّخَالِف - مامشکل

(۳۰۴) فارسی : ولم کن - ولش کن

العربية : عُنْفِي - عُوْفَه

(۳۰۵) فارسی : بزرگ

العربية : چَبِير - عظيم

(۳۰۶) فارسی : راننده

العربية : سايِق

(۳۰۷) فارسی : ایستگاه پلیس

العربية : سِيْطَرَة

(۳۰۸) فارسی : پلیس

العربية : شرطِي

(۲۰۹) فارسی: درب

العربية: الباب

(۲۱۰) فارسی: گیت - دروازه - ورودی

العربية: بَوَابَة

(۲۱۱) فارسی: افسر - مامور - مسئول

العربية: ضابط

(۲۱۲) فارسی: گاری - ارايه

العربية: عَرَبَانَة

(۲۱۳) فارسی: گاری چي - ارايه كَش

العربية: عَرَبَنَجِي

(۲۱۴) فارسی: (بردار، بلند كن) - چمدون رو بردار

العربية: (شيل) - شيلِ الجُنْطَة

(۲۱۵) فارسی: كيف - كوله

العربية: حَقْبَة

(۲۱۶) صبحانه (ريوگ)

(۲۱۷) لبن = شير، ماست، دوغ

(۲۱۸) حليب = شير

(۲۱۹) لبن رائب، لبن حائر، لبن زيادى، روب = ماست

(۲۲۰) عيران، شراب اللبن، اللبن = دوغ

(۲۲۱) قشطه، قشدة = خامه

(۲۲۲) جُبْن = پنير

(۲۲۳) كثير الدَسيم = پر چرب

(۲۲۴) قليل الدَسيم = كم چرب

(۲۲۵) گیمُر: سرشیر

(۲۲۶) العربية: اِشْلُونِ صِحَّتِكُمْ

فارسی: سلامتین؟ حالتون چطوره

(۲۲۷) العربية: اِنْتَو اِشْلُونِكُمْ

فارسی: شما چطورین؟

(۲۲۸) العربية: مِيْخَالِفُ

فارسی: اشکال نداره

(۲۲۹) العربية: مَا يَصِيْرُ

فارسی: نمیشه

(۲۳۰) العربية: دِيْرُ بِالِكِ

فارسی: مراقب باش

(۲۳۱) العربية: عُنْفَى

فارسی: ولم کن

(۲۳۲) العربية: عَوْفِه

فارسی: ولش کن

(۲۳۳) العربية: خَلَصَ صَبْرِي

فارسی: صبرم تموم شد

(۲۳۴) العربية: عَن اِدْنِكُمْ، مِّن رُّخْصَتِكُمْ

فارسی: با اجازه شما

(۲۳۵) العربية: بوسَ اِيْدِه

فارسی: دستشو بوس کن

(۲۳۶) العربية: يَنْشَاقِه

فارسی: شوخی میکنه

(۲۳۷) العربية: اِشْبِيهِ (اِشْبَى):

فارسی: چِشِه؟ چِشِ شَدِه؟

(۲۳۸) العربية: شِعْبَالِكُ

فارسی: چى خيال كردى؟

(۲۳۹) العربية: لِسْوِءِ الْحَظِّ

فارسی: متاسفانه، از بدشانسى

(۲۴۰) العربية: لِحْسَنِ الْحَظِّ

فارسی: خوشبختانه

• اصطلاحات پرکاربرد و بسیار ضروری

(۲۴۱) العربية: يَرْحَمُ اللهُ (درهنگام عطسه)

والجواب(جواب): يغفرالله لكم

(۲۴۲) العربية: أُخْرَسَ، أُسْكِتَ

فارسی: خفه شو

(۲۴۳) العربية: لَاسْمِحِ اللهُ، حَاشَ اللهُ، لَاقْدَرِ اللهُ

فارسی: خدا نکند، مبادا

(۲۴۴) العربية: عَفْوًا، مَعْدِرَةً، أَعْتَذِرُ مِنْكُمْ، أَرْجُو عَدَمَ الْمَوَاحِدَةِ

فارسی: ببخشید، معذرت میخوام

(۲۴۵) العربية: أَسْعِدُ اللهُ صَبَاحَكُ

فارسی: روزت خجسته، بامدادت خوش

(۲۴۶) العربية: إِيَّهِ

فارسی: حُب، بسیار خوب

(۲۴۷) العربية: سَاعِدُكَ اللهُ

فارسی: خسته نباشید

والجواب: سلّمك الله: سلامت باشيد

(٢٤٨) العربية: قرّت عيناك

فارسی: چشمت روشن

(٢٤٩) العربية: يسعدني أن أزوركم

فارسی: خوشحال می شوم بینمتون

(٢٥٠) العربية: أنا سعيدٌ بمعرفتك

فارسی: از آشنایی ات خوش وقتم

(٢٥١) العربية: نهارك سعيدٌ

فارسی: روز خوش

(٢٥٢) العربية: ليلة سعيدة، طابت ليلتكم، مساء الخير، مساؤكم بالخير،
مساك الله بالخير

فارسی: شب خوش

(٢٥٣) العربية: أنفاسك مباركٌ

فارسی: (أحسننت: آفرین)، زنده باد، دمت گرم

(٢٥٤) العربية: إلى اللقاء، إلى الملتقى، الوداع، بخاطرک

فارسی: به امید دیدار، خدانگهدار

(٢٥٥) العربية: مع السلامة

فارسی: به سلامت، خدانگهدار

(٢٥٦) العربية: أرجوكم، الرجاء

فارسی: خواهش می کنم، امید است

(٢٥٧) العربية: لا تُجامل، لا تكلف

فارسی: تعارف نکن

(٢٥٨) العربية: لقد كلّفناكم

فارسی: زحمت دادیم

والجواب: أرجوكم عدم المؤاخذه: خواهش می کنم خجالت ندهید.

(۲۵۹) العربية: من فضلكم، رجاءً، لو تكرمتَ

فارسی: لطفاً، اگه میشه

(۲۶۰) العربية: تفضّلتُم

فارسی: لطف نمودید، زحمت کشیدید

والجواب: كلّفناكم: زحمت دادیم

(۲۶۱) العربية: حسنٌ، جيّدٌ، طيّبٌ

فارسی: خوب، بسیار خوب

(۲۶۲) العربية: أرّحّب بقدمکم، أرّحّب بمقدمکم، تشرّفتم

فارسی: خیر مَقدم، خوش آمدید

(۲۶۳) العربية: تشرّفْتُ بمعرفتک

فارسی: از آشناییت خوش وقتم

(۲۶۴) العربية: أنا مرتاحٌ لرؤيتک، أنا مسرورٌ من رؤيتک

فارسی: از دیدنت خوشحال شدم

(۲۶۵) العربية: أدام الله توفيقک، أيّدک الله

فارسی: خدا یارت، موفق باشی

(۲۶۶) العربية: أطال الله بقائك

فارسی: خدا عمرت بده

(۲۶۷) العربية: نعم صباحک

فارسی: صبح خوبی داشته باشی

(۲۶۸) العربية: نعم مساؤک

فارسی: شب خوبی داشته باشی

٢٦٩) العربية: جعلتُ فداك

فارسی: فدایت شوم

٢٧٠) العربية: شكراً

فارسی: ممنون، تشکر

٢٧١) العربية: شكراً، الله يحفظكم

فارسی: ممنون، خداشما را حفظ کند

والجواب: لا شكر على الواجب

هذا هو واجبنا(تشکر لازم نیست، وظیفه ماست)

٢٧٢) العربية: الله يراكم

فارسی: خدا حفظتون کنه

٢٧٣) العربية: تُصبح على الخير

فارسی: شب خوش

٢٧٤) العربية: آسف، متأسف، مع الأسف، عذراً

فارسی: متاسفم، معذرت می خواهم

٢٧٥) العربية: وفقك الله

فارسی: خدا توفیق دهد

٢٧٦) العربية: فى صحة و عافية (به بیمار گفته می شود)

فارسی: در سلامتی و عافیت باشی

٢٧٧) العربية: ننتظركم ، نحن فى انتظاركم

فارسی: مامنتظر شماييم

٢٧٨) العربية: الله يُعطيك العافية

فارسی: خداسلامتی به تو بدهد

٢٧٩) العربية: كيف الاسرة؟، كيف الأهل و الأصدقاء ؟

فارسی: خانواده خوب هستند، دوستان چطور؟

(۲۸۰) العربية: الله يخلِّك

فارسی: خدا پشت و پناهت باشه

(۲۸۱) العربية: أنا في خدمتك

فارسی: نوکرتم، من در خدمتم

(۲۸۲) العربية: في أمان الله و حفظه

فارسی: در پناه خدا

(۲۸۳) العربية: أخذت من وقتك كثيراً، أزعجتكم، زاحمتك

فارسی: زحمت دادیم، وقتتان را گرفتم

(۲۸۴) العربية: أنت غير جادٍ في كلامك، تمزحُ

فارسی: مزاح می کنی، شوخی می کنی، جدی نمیگی

(۲۸۵) العربية: كل عامٍ و أنتم بخير

فارسی: صد سال به این سالها (در همه سال خوب و سالم باشی)

نکته: در اعیاد کاربرد اصلی دارد.

(۲۸۶) العربية: أنت بخير و سعادة

فارسی: خوب و خوش باشی

(۲۸۷) العربية: حياك الله

فارسی: زنده باشی

(۲۸۸) العربية: تسلم

فارسی: سالم باشی

(۲۸۹) العربية: صبّحكم الله بالخير

فارسی: صبح خوبی داشته باشی

(۲۹۰) العربية: نحن في منتهى السعادة

فارسی: ما واقعاً خوشبختیم

(۲۹۱) العربية: سنزورکم بعد قليل إن شاء الله

فارسی: اگر خدا بخواهد دوباره همدیگر را خواهیم دید

(۲۹۲) العربية: صافحنی

فارسی: یامن دست داد

(۲۹۳) العربية: ربنا يعوض عليك

فارسی: خدا به تو عوض دهد

(۲۹۴) العربية: أفادک الله

فارسی: خداوند تو را مؤید بدارد

(۲۹۵) العربية: لا عليه أهديکم

فارسی: قابلی ندارد، خواهش می کنم

(۲۹۶) العربية: لاتحزن، لاتقلق

فارسی: نگران نباش

(۲۹۷) العربية: هنيئاً لك

فارسی: خوشا به حالت

(۲۹۸) العربية: و لكم جزيل الشکر

فارسی: با نهایت سپاس

(۲۹۹) العربية: حضرة الفاضلة (المحترمة)

فارسی: سرکار خانم

...

کاری از: <http://otazoo.com> ویلاک آموزش نون عربی پایه هفتم.



Farshid Rakhshaei
<http://ota20.blog.ir>

<http://ota20.blog.ir>